

ماجرای عشق و عاشقی میدون

دولت مسئول بچه‌دارشدن شما نیست

• **بوریا عالمی:** من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوфіا. بابای سوфіا اما عاشق من نیست و روی همه چیز حساس است. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوфіا گفت: پسر تو پس فردا که وقت فرزندآوری‌ات شد چطوری می‌خواهی فاصله‌گذاری کنی؟ گفتم: جان؟ فاصله‌گذاری؟ مگر نمایش‌نامه است؟ من فردا بخوام بچه‌دار شوم باید برشت را هم در نظر بگیرم؟ یا فاصله‌گذاری کنم و بکھو از اتق بیام بیرون؟

بابای سوфіا گفت: چی می‌گویی پسر؟ موضوع سر صحبت قائم‌مقام وزیر بهداشت است که گفته: «موفقیت و شکست در یکی، دو دهه گذشته در بحث جمعیت به طور کامل به ما مربوط نیست، فرزندآوری و فاصله فرزندآوری را پاسخ‌گو نیستیم بلکه سلامت فقط به ما مربوط است، ما سیاست‌گذار جمعیت نیستیم». گفتم: خب اگر مردم فاصله‌گذاری کنند که فرزندآوری نمی‌توانند بکنند، دولت باید سعی کند فاصله‌ها در جامعه کم شود که جمعیت زیاد شود.

گفتم: شما هم توقعی داری‌ها، مامان ما هم می‌گوید کنترل جمعیت و فرزندآوری و فاصله فرزندآوری به من مربوط نیست و به بابات مربوط است. بابای ما هم می‌گوید کنترل جمعیت و فرزندآوری و فاصله فرزندآوری به او مربوط نیست و به برنامه‌های تلویزیون مربوط است. یک زمان اوشین پخش می‌کرد همه هی بچه می‌آوردند که آخرش یکی از بچه‌ها خوشبخت شود. بعد خانه‌سبز پخش کرد، همه دست نگه داشتند و جای فرزندآوری شروع کردند به گفت‌وگو با فرزند و همسرشان. این اواخر اما برنامه ماه‌عسل تلویزیون پخش می‌کند و مردم می‌بینند نه بچه‌دارشدن عاقبت دارد نه اصولاً زندگی‌کردن، به همین دلیل آشن‌افردگی در کشور رفته بالا و بعضی هم خودشان را پرت می‌کنند پایین. خلاصه تلویزیون هم در شعار هی می‌گوید بچه‌دار شوید اما می‌گوید مسئولیت بچه‌تان با ما نیست. مردم هم همین‌طور بلا تکلیف مانده‌اند معطل و امیدوار بودند که دولت و وزارت بهداشت مسئولیت فرزندآوری آنان را برعهده بگیرد. اما وزارت بهداشت دیروز زده زیر بازی و او هم گفته فرزندآوری و فاصله‌گذاری شما به ما مربوط نیست. این‌طور که مشخص است فکر کنم آخر سر مسئولیت فاصله‌گذاری و فرزندآوری جامعه را هم بیندازند روی دوش من.

نتیجه‌گیری: فرزندان از آنچه در بخش‌نامه‌های دولت می‌بینید به شما نزدیک‌ترند. مراقب باشید. **نتیجه‌گیری ۲:** دولت مسئول بچه‌دارشدن شما نیست.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

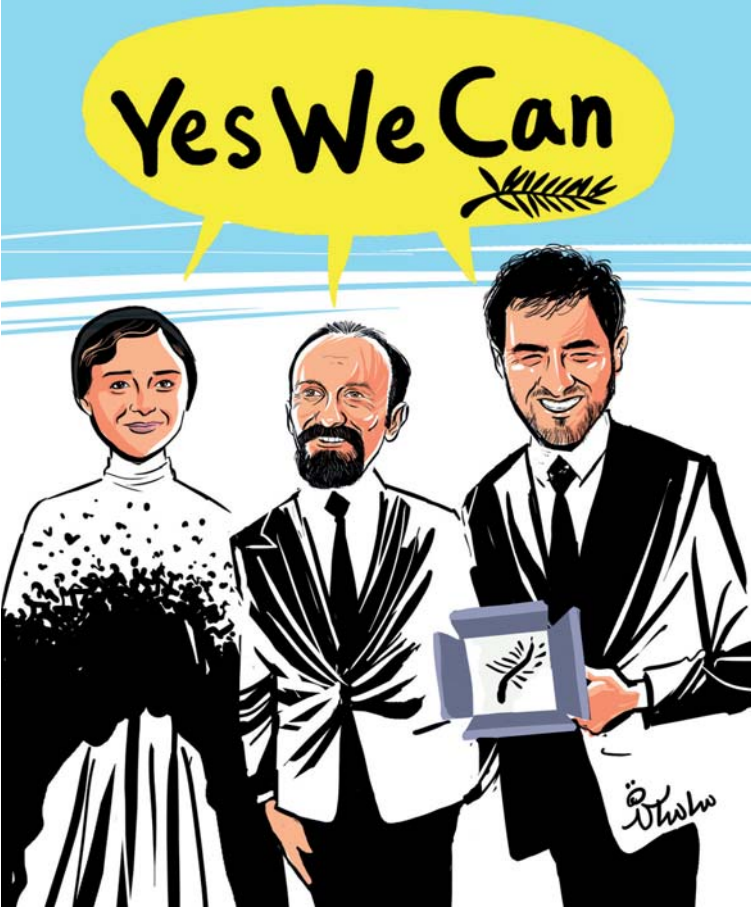
سه‌شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۵ • ۱۷ شعبان ۱۴۳۷ • ۲۴ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۹۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۰ • اذان صبح فردا ۴:۱۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سازان خادم



جشنواره حساب‌های قرض الحسنه پس انداز بانک ملت

با ۵۰۰ جایزه ویژه



۱۵۵۶ کیلومترا سکناس ۵۰ هزار ریالی
معادل ۵۱۵/۵۱۵/۴۷۱ ریال برای ۱۰۰۰ نفر به تساوی

- ۱۰۰۰ کمک هزینه خرید منابع دستی هر یک به ارزش ۳۰ میلیون ریال
۵۰۰/۰۰۰ جایزه نقدی هر یک به ارزش ۷۰۰ هزار ریال
- آغاز دوره قرعه‌کشی و محاسبه امتیاز ۱/۱/۱۳۹۴
 - مهلت افتتاح حساب یا افزایش موجودی تا ۱۳/۳/۱۳۹۵
 - هر ۵۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز



بانک ملت
bank mellat

www.bankmellat.ir

سلام به فردا

مسیر خرسندی جامعه را تغییر ندهیم

امیدواری و خوشحالی جامعه ایرانی شده است. جامعه انسانی همواره دنبال تکریم و پذیرش است. شاید در این زمینه بد نباشد که به خود برجام هم اشاره شود. درباره توافق هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی، نخبگان جامعه مطلع بودند که تصویب و اجرای برجام، تأثیرات کوتاه‌مدت و فوری نخواهد داشت؛ اما پس از این رویداد بود که فضایی ایجاد شد که ایران برخلاف روندی که در طول هشت سال پیش از آن وجود داشت، از تکریم و پذیرش جامعه بین‌المللی برخوردار شد. این خود باعث نوعی غرور و افتخار ملی است و جامعه به این خاطر که تحقیر نشده نیست، به خود می‌بالد. این اتفاق کمی نیست. اکنون نیز کسب این جوایز تأثیرات مشابهی در جامعه داشته است و می‌توان از فضای جدیدی که در فضای فرهنگی و سیاسی باز شده، استفاده کرد. وجدی ناشی از این رویداد فرهنگی و امیدواری ایجادشده را می‌توان در جهت‌های کاربردی و مهم استفاده کرد و امیدوارم پس از این رویداد مسئولان فرهنگی و هنری کشور به خود بیایند و در این حوزه بیش‌ازپیش سرمایه‌گذاری کنند.

سیاسی دارند و معمولاً در انتخاب برندگان جایزه نوبل و اسکار نیز چنین تحلیل‌هایی ارائه می‌شود. واقعیت این است که شخصیت سیاسی و اجتماعی هنرمندان برای دست‌اندرکاران یک جشنواره بین‌المللی همیشه مهم بوده است. برای مثال درباره شخص «اصغر فرهادی»، می‌توان گفت که او در عرصه اتفاقات سیاسی مهم و اثرگذار همواره در کنار مردم بوده است. مسلماً اگر تلقی داوران و دست‌اندرکاران کن این بود که فرهادی یا «شهاب حسینی»، هنرمندانی هستند که در برابر بخش عظیمی از مردم کشورشان و حقوق شهروندی ایستاده‌اند، ممکن بود به آنها توجه لازم را نداشته باشند؛ اما به دو دلیل نباید درباره این پیش‌زمینه‌های سیاسی چندان نگران بود یا مخالفان این جوایز نباید این دلایل سیاسی را دست‌آویز قرار دهند و به خود غره شوند و بخواهند مسیر خرسندی جامعه را تغییر دهند. دلیل نخست خوشحالی‌مان این است که همان‌طور که گفته شد، درخشیدن ایران در یک جشنواره طراز اول بین‌المللی، بر دیپلماسی عمومی کشورمان اثرگذار است. دوم اینکه در سطح ملی نیز این اتفاق باعث



عبدالله ناصری

می‌توان رخداد مبارکی مانند کسب دو جایزه سینماگران ایرانی در جشنواره بین‌المللی کن را تحت‌تأثیر وجهه بین‌المللی ایجادشده درباره کشورمان دانست؛ تأثیر برخی رویدادهای سیاسی که نمی‌توان آنها را نادیده انگاشت. می‌توان این پیروزی را جلوه‌ای از دیپلماسی عمومی ایران در دنیا به حساب آورد. امروز دیپلماسی عمومی بسیار بیشتر از دیپلماسی رسمی در جایگاه بین‌المللی اثرگذار است؛ به این معنا که سفرای فرهنگی در عرصه بین‌الملل شناخته‌شده‌تر هستند و موفق‌تر از دستگاه‌های سیاسی عمل می‌کنند. امروز یکی از تحلیل‌های جدی که درباره این رویداد مبارک ارائه می‌شود، این است که جوایزی نظیر کن بین‌ماه‌های سیاسی دارند. این دیدگاه به‌هیچ‌وجه انکارپذیر نیست. برخی از مهم‌ترین جوایز بین‌المللی دنیا زمینه‌های

یادداشت

سیاه‌نمایی سیاسیون اخلاق‌مداری سینماگران

امیرحسین علم‌الهدی: جشنواره کن یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های جهانی سینماست و افرای نیست که این جشنواره را میعادگاه فیلم‌سازان هنری جهان بنامیم و این جشنواره را همان المپیک سینمایی بدانیم. سینمای ایران که بعد از انقلاب توانست پوست‌اندازی و برای حضور جدی در جشنواره‌ها یک سرورگردن نسبت به سایر کشورها پیش‌تازی کند، بدون‌شک موهون فعالیت‌ای است که با تمام سختی‌ها و مراتب‌ها توانسته‌اند نام ایران را در کشورهای دیگر به زبان آورد و به‌عنوان مهم‌ترین سفیر فرهنگی کشور طی چهار دهه اخیر خودنمایی کنند. این دستاورد کمی برای نظام فرهنگی ایران نیست که سینمای اخلاق‌مدار آن ریزانند عام و خاص محافل فرهنگی و هنری است و باید قدر آن را دانست؛ اما گویا همچنان این فرزند خلیف ایران‌زمین در داخل کشور دچار مشکل است و بخشی از دستگاه‌ها با دید تردید، شک و ظن با این تنها سفیر فرهنگی خود برخورد می‌کنند و نمی‌خواهند بپذیرد که سینمای ایران توانسته است در حد بضاعت خود تصویری فرهنگی از ایران به‌جهانیان عرضه کند. مخالفان سینمای ایران بر این باورند که سینماگران با نشان‌دادن تصویر غیرواقعی از این سرزمین (سیاه‌نمایی) نتوانسته‌اند از ایران و پیشرفت‌هایش در این سه دهه به‌درستی دفاع کنند و جشنواره‌ها هم حسب سیاست‌های کشورشان فقط به فیلم‌های سیاه‌نمای ایرانی جوایزی خواهند داد و دفاع از این تزه: «سینمای ایران سفیر فرهنگی نظام است» یک جعل است و تصویر سینمای ایران نشان‌دهنده منویات نظام نیست و نخواهد بود! چنانچه این استدلال را بپذیریم که سینمای ایران سیاه‌نماست و بر این اساس جوایز به‌خاطر این سیاه‌نمایی‌هاست که به فیلم‌سازان تعلق می‌گیرد، باید به عرض طرفداران این استدلال برسایم که فیلم‌ساز در همین سرزمین رشد کرده است و اگر نمی‌تواند تصویری دلخواه شما بیافریند به نظر به‌خاطر سیاست‌های شماس است و نه نوع نگاه فیلم‌ساز. هرچند باید بپذیریم که سیاست‌های جشنواره‌ها براساس سیاست‌های پیدا و پنهان کشورهایشان است (مگر در ایران نیست که در کشورهای دیگر نباشد) و جوایز این جشنواره‌ها بی‌ارتباط با نوع سیاست‌های کشورها نیست و اما بپذیریم که «فیلم‌سازان مؤلف» براساس نگاه خود و جهان‌بینی خود فیلم‌هایشان را می‌سازند و نه براساس سفارش بخشی از حاکمیت یا مخالفان و موافقان سینما از یک سو و از سویی دیگر سیاست‌های کشورهایی که جوایز جشنواره‌هایشان مهم هستند!

با پذیرفته‌شدن امکان فراگیری زبان فارسی در برخی مدارس دو ایالت از میان ۱۶ ایالت این کشور به‌عنوان زبان مکمل و درج نتیجه فراگیری این زبان در کارنامه آموزشی دانش‌آموزان می‌توان چنین تصویری را داشت که دیگر کمتر زبان و ادبیات فارسی برای نظام آموزشی آلمان بیگانه باشد. اینجا نقش مهاجران و پناهجویانی از کشورهای فارسی‌زبان حائز کمال توجه است که در ترکیب جمعیتی این زبان طی سال‌های اخیر تغییراتی را سبب شده است. اکنون در این فضا، فرض شود روزی قانون آموزش‌های قدرال، این مصوبه را به همه مدارس ابلاغ کند. در چنان شرایطی آیا ظرفیت‌ها و مأموریت‌های ما امکان آن را دارد که مخالفان خود را با ارائه مواد آموزشی و روش‌های فراگیری قانع کنید؟

این پرسش در دو هفته گذشته توجه را معطوف به خود کرده است. شاید در نگاه نخست برای هم‌وطنان ایرانی ساکن در جغرافیای ایران کنونی بیان چنین پرسشی معنا نداشته باشد، اما دقت در چند عامل مهم می‌تواند تگرشی تازه را در درک و تصور ما ایجاد کند: الف- می‌دانیم فارسی‌زبانان مقیم آلمان، الزاماً هم‌وطنان ایرانی ما را شامل نمی‌شوند که به‌راحتی مواد آموزشی و صرف‌های کتب درسی ما را، آن‌گونه که در جمهوری اسلامی ایران تدریس می‌شود، بپذیرا باشند. در حقیقت آنها نیز اگر فارسی را به شکل سازمان‌یافته بخواهند فراگیرند، نیاز دارند برای معادل‌سازی مدارک آموزشی خود به نظام ارزش‌گذاری کشورهایشان مثلاً افغانستان و تاجیکستان رجوع کنند. در چنین وضعیتی آیا مسئولان و مروجان زبان فارسی توانسته‌اند در راینزی با کشورهای دیگر فارسی‌زبان معیاری واحد و کتبی هسان را تدوین و عرضه کنند؟

ب- از آنجایی‌که در تدوین منابع و روش‌های آموزشی ما برای تنوع‌های موجود همچون: خانواده‌های ایرانیان مقیم، جامعه ایرانی‌تبار، فرزندان دارای پدر یا مادری آلمانی - ایرانی، نسل‌های دوم و سوم و نیز مهاجران کمتر دقت‌نظر حاصل شده است، مورد اهتمام جدی اهل نظر واقع شود.

پیشنهاد

ویژه‌ای به نام «یادآوران عرضه اخلاق و راهبرد» یادبودی از عزت‌الله و هاله سحابی و هدی صابر است. در این بخش گفت‌وگوی منتشرنشده‌ای از زنده‌یاد عزت‌الله سحابی درباره تدوین قانون اساسی آمده است. نشریه چشم‌انداز ایران با آثاری از هادی خانیک، محمد ستاری‌فر، کمال اطهاری و... منتشر شده است.



شماره جدید چشم‌انداز ایران منتشر شد. جلد این شماره، با عنوان «همراه با بسته‌نگار» به گفتارهایی از محمد مهدی جعفری، لطف‌الله میثمی و سهیل یزدی درباره محمد بسته‌نگار اشاره دارد. پرونده ویژه چشم‌انداز ایران به بازیابی تجربه دینی استاد محمدتقی شریعتی اختصاص داده شده است. همچنین بخش

رونمایی از نخستین نرم افزار بانکداری بر روی ساعت های هوشمند به همراه قابلیت ورود با اثر انگشت

نخستین نرم افزار بانکداری بر روی ساعت های هوشمند



همراه بانک پاسارگاد، قابلیت ورود با اثر انگشت



از طریق گوشی خود با اسکن بارکد، نرم افزار همراه بانک را دانلود نمایید.

www.bpi.ir ۰۲۱-۸۲۸۹۰